

– خوش بحال خودم که تمام پولامو توبانک
های آلمان گذاشتم .

علت مسافرت

به صادق طباطبائی (صادق اوا) گفتند :
– اگر برای قاچاق تریاک به آلمان نرفته
بودی ، پس رفتی چکنی ؟
جواب داد :
– رفتم زیرا بروموور دارم و برگردم .

همه دادند

یک خبرنگار خارجی به امام گفت :
– میگویند در این انتخابات آخری خیلی ها
راءى ندادند ، نظر شما چیه ؟
– ولاکن دهه ، توهم که حرفهای بی بی سی
و کارتروسادات را میزنی ، کی گفته خیلی ها
راءى ندادند ؟ من خودم دادم ، آسید احمد
هم داد ، تمام اهل بیت دادند ، آنهاى کسه
ندادند از کیسه شان رفته .

خط امام

سرچهار راه مخبرالدوله، یکی از شهرستانیها
ایستاده بود و گنج گنجی میخورد، عابری از
او پرسید:

— دنبال چی میگردی پدر؟

مرد شهرستانی گفت:

— خدا عمرت بده، ممکنه بمن بگی اتوبوسای
(خط امام) کدوم طرف وای میسن؟

المپیک

از آقا پرسیدند:

— چرا اجازه ندادید قهرمانان ایرانی به
مسابقات المپیک بروند؟

جواب داد:

— ما اینجا بحمد الله خودمان المپیک خانگی
داریم و مردم صبح تا شب دنبال آب و نان
میدوند، المپیک رفتن نداره.

ببندید

در جریان گروگان گیری، روزنامه ها خبر
دادند که یکی از گروگانها بنام گروهیبان

مولر به یکی از دختران مراقب خود تجاوز کرده
 و برادر متعصب دختر، او را کشته است .
 وقتی این خبر را به وقیح عالیقدر گربه نسره
 دادند عصبانی شد و گفت :
 - صدمرتبه گفتم عوض اینکه دست و پای این
 گروگانها را ببندید، جای حساشونو ببندین
 ، مگه به خزجتون میره ؟

خاک افغانستان

اوائل که بنی صدر مغضوب واقع نشده بود
 در یک سخنرانی گفت :
 - اگر دولت عراق به تجاوزات خودش ادامه
 بدهد ما نمیتوانیم مانع ورود پاسداران به
 خاک افغانستان بشویم .
 وقتی در این باره از او توضیحات خواستند
 گفت :
 - منظورم این بود که پاسدارها بر اثر حملات
 عراقی ها آنقدر عقب عقب میروند تا میرسند به
 خاک افغانستان .

آئینه

بتول خانم تعریف میکرده که :

— دیشب آقا داشت خودش توی آینه نگاه میکرد
یک مرتبه جوشی شد و گفت (این پیرمرده هم ...
باید بگره).

پل دختر

یک پاسدار که از جنگ برگشته بود به فرمانده
گزارش میداد، فرمانده پرسید:
— خوب، از (پل دختر) چه خبر؟
— قربان، عراقی ها تا تونستن بهش تجاوز
کردن، بهتره اسمش رو بذارین پل (بیوه زن).

پرتغال و پرتغال

در موقع گروگانگیری دولت پرتغال هم جزو
کشورهای بی بود که اعلامیه صادر کرد و خواستار
آزادی گروگانها شد.
وقتی این خبر را به گریه نره دادند عصبانسی
شد و گفت:
— زود باشین این پرتغال رو بیارین تا من
پوست بکنم بخورمش.

گاز

- میگویند شوروی هم به ایران اسلحه صادر میکند، خوب، در مقابل چی میگیرد؟
- گاز.
- چه جور گازی؟
- گاز معده.

نماز جمعه

- از یک (پا برهنه، موء من و معتقد) پرسیدند:
- علت اینکه هر هفته در مراسم نماز جمعه شرکت میکنی چیه؟
- جواب داد:
- راستش از اینکار ضرری ندیدم، چون هر هفته بعد از تمام شدن نماز، از خرتو خسری استفاده میکنم و کفش نوی دیگران را بیپا میکنم و میام خونه.

اعتراض

مردی که بی نهایت عصبانی بود وارد کمیته شد و گفت:

- این چه کلکی است دیگه؟ چرا مدتی است
 ورودلوازم آرایش را ممنوع کردید؟
 رئیس کمیته باخونسردی گفت :
 - دستور حضرت امام است آقا جان .
 مردگفت :
 - خدا خیرتون بده ، من بیچاره از شب عروسی
 تا بحال قیافه واقعی زخم را ندیده بودم
 ، امروز که دیدم داشتم سگته میکردم .

لواط

لاجوردی - این زندانی جرمش چیه ؟
 پاسدار - لواط کرده قربان .
 لاجوردی - مدرک هم داری ؟
 پاسدار - چه مدرکی بالاتر از این که با خودم
 لواط کرده ؟

معجزه

قمرخانم - منور خانوم جون ، الهی قربون
 شکلت بشم ، معجز شده ، خودم با چشمم توی
 بهشت زهرا آب دیدم دوتا از اموات که جواز
 دفنشون صادر شده بود از توی تابوت بلند
 شدن دادزدن ؛ حزب فقط حزب الله ، رهبر
 فقط روح الله و باز دوباره گرفتن خوابیدن .

جواب منطقی

وقتی سید مهدی میرا شرافی در اصفهان محکوم به اعدام شد خانواده او پیش گربه نره رفتند و با پرداخت ده میلیون تومان از او خواستند تا حکم اعدام را به حبس ابد تبدیل کند.

گربه نره ده میلیون تومان را با بت خمس و زکات برداشت و چند روز بعد میرا شرافی را اعدام کردند، اعضاء خانواده محکوم به منتظری اعتراض کردند و گفت:

— بنده پس از دریافت اون مختصر وجه اعدام لازم را کردم ولی چون آقای میرا شرافی تشنه شهادت بود، پیش از اینکه من جم بخورم شیشه شربت شهادت را برداشتم و تاته سر کشید.

زبان روسی

یک بچه مدرسه‌ئی به پدرش گفت:

— من میخوام برم زبون روسی بخونم.

پدر با تعجب پرسید:

— چرا زبون روسی؟

پسر جواب داد:

— با این مملکت داری که این حضرات میکنند

پالاخوه ایران به چنگ روسها می افتد آنوقت
زبون روسی بدردم میخوره .

نکیرو منکر

- شب اول قبر، نکیرو منکر به سراغ یک مرده که
تازه اعدام شده بود رفتند .
- امام آخرت کیه ؟
- امام خمینی .
- مگه عقلت کمه ؟ این چرندیات چیه که میگی ؟
- چیکار کنم ؟ میترسم به گوش خلخالی برسه
دوباره اعدام بکنه .

فوتبال

- ای بابا، شما که سرتا سر زمین چمن دانشگاه
راش ریختین، پس دانشجوها کجا فوتبال
بازی کنن ؟
- توشهستان مسجدا امام خمینی .

بازیچه



فشار

- به آقا گفتند :
- حال مزاجی شما چطور است ؟
- جواب داد :
- حال مزاجی من خوب است ولی برای احمد آقا نگرانم .
- چرا ؟
- برای اینکه تا زگیها (فشار پولش) بالا رفته

قرارداد

- خلخالی دیوانه را در خیابان پنجم نیویورک دیدند و از او پرسیدند :
- چه شد که به آمریکای جهانخواه مسافرت کردی
- جواب داد :
- فقط آمده ام با (گریزی رادی) قرارداد ببندم و برگردم .

بیوه (کینگ)

- آقا - این ضعیفه کیه آمده دیدن ما ؟
- احمد - بیوه دکتر لوتر کینگ .
- آقا - کینگ یعنی چی ؟

احمد۔ بہ زبان انگلیسی یعنی شاہ ،
 آقا۔ و لاکن بفرستش برہ اسمش را عوض کنسہ
 و برگردہ ،

گربہ و خر

خری پیردر حال نزع بود، گربہ ٹی بالای سر
 او نشسته و منتظر بود ،
 خرگفت :
 - بیخود (منتظری) ، من تا جمعہ نمی میرم .
 گربہ جواب داد :
 - عیبی ندارہ ، من تا شبہ بیکارم .

بیکارہ

در زمان ریاست جمہوری (بنی حرف) گروہی
 از کارگران بیکار بہ او مراجعہ کردند و گفتند
 - آقای رئیس جمہور ، ما کار نمیخواہیم .
 بنی حرف گفت :
 - پرین پی کارتوں ، من خودم از شاہا
 بیکارترم .

اصلاحات

- بنظر شما اصلاحات را با یداز کجا شروع کرد؟
- آزریش جوانها که داره به پرشالشان میرسه

خروج ارز

- از امام امت فتوی خواسته بودند که :
- خروج ارز، از مرزهای ایران چه صورتی دارد؟
- امام جواب دادند :
- خروج ارز از مملکت حرام است ولی چون اسلام مرز نمیشناسد، روحانیت مبارز میتوانند به کشورهای اسلامی ارز بفرستند.

تاء مین گوشت

- رئیس جمهور گفته که تا شب عید وضع نسون و گوشت مردم را درست میکنم، آخه چه جوری؟
- کاری نداره، نونش را خودش میپزه خلخالی
- راهم میفرسته کزدستان تا گوشت یکسال مانا
- راتاء مین بکنه.

بی بته

— چرا شب چهار رشتنه سوری بازرگان از روی
آتش نپرید؟
— برای اینکه (بی بته) بود.

هنرمندان

به آقا گفتند :
— حال که فرمودید موسیقی حرام است تکلیف
اینهمه موزیسین چه میشود؟
فرمودند :
— و لاکن هنرمندانی که تار میزنند بروند عقب
(پنبه زنی) ، آنها که پیانو میزنند بروند توی
دکان سنگگی و نان (ناخنی) بپزند ، ویالون
زنهایش هم بروند دنبال (خراطی) ضرب گیر
ها راهم میفرستیم آفریقا که برای سیاه ها
(طبل) بزنند.

وکیل شاه

هنگامی که (شاه) در پاناما بود ، وکیل او به
دولت اسلامی اطلاع داد که اگر موکلش را به

اعدام محکوم نکنند، او را تحویل خواهند داد.
 بلافاصله خلخالی به وکیل پانامائی نوشت:
 - نترس، خودم هواشودارم.

اطریش وریش

صدراعظم اطریش در مصاحبه‌ئی گفته بود:
 - فکر نمی‌کردم دبیرکل سازمان ملل فریب
 ملاحای دیوانه‌ئی را که در ایران حکومت
 میکنند بخورد.

وقتی این خبر به گوش منتظری رسید گفتم:
 - از دولت اطریش که با ما همیشه همچه توقعی
 نداشتم، حالا که اینطور شد ما هم برای مدت
 چند ماه (ریش) خودمونو می‌تراشیم. و به همین
 سبب اکتفا می‌کنیم.

دو چرخه

رفسنجانی کوسه در نماز جمعه گفت:
 - حالا که پالایشگاه آبادان و خارک را خراب
 کرده‌اند، ما هم برای مبارزه با کمبود بنزین
 سوار دو چرخه می‌شویم.
 فردای آنروز جناب کوسه را دیدند که سوار بنز
 است، پرسیدند:

– معنی اینکار چیه؟

کوسه جواب داد:

– بنده چون دو چرخه سواری بلد نیودم سفارش
یک بنز ششصد دادم .

بو قلمون اسلامی

به خامنه‌ئی گفتند:

– تو که نماینده امام در شورای عالی دفاع

هستی پس چرا آداب جنگیدن را نمیدانی؟

جواب داد:

– برای اینکه رئیس جمهورم .

گفتند:

– پس چرا از سیاست چیزی سرت نمیشود؟

گفت:

– برای اینکه نماینده امام در شورای عالی

دفاعم .

قاچاق

مردی را با مقدار زیادی جواهر در فرودگاه

دستگیر کردند و گفتند: چرا اینکار را کردی؟

جواب داد:

– مگه ما چی چی مون از مدیرینگو کمتره؟

جاسوس

در سال ۱۳۵۸ موقعی که یک هواپیمای مسافری ایران نزدیک مهرآباد سقوط کرد و همهٔ سرنشینان آن کشته شدند، گربه نرسه گفت:

تا اونجائی که اطلاعات فنی من اجازه میدهد، علت سقوط طیاره این بوده که راه دار (رادار) آمریکائی اونو هدایت میکرد و شوفر طیاره هم مال (سی . آی . ا .) بوده .

آرزو

از انگلیسی پرسیدند: چه آرزوئی داری؟
گفت: رژیم خمینی حالا لاهاروی کاربا شد و ما بتوانیم بهره‌های بیشتری از آن ببریم.
از فرانسوی پرسیدند: آرزوی توجیهی؟
گفت: جنگ ایران و عراق ادامه پیدا کند تا ما بتوانیم اسلحه بفروشیم.
به آمریکائی گفتند: تو آرزوت چیه؟
جواب داد: هیچ آرزوئی ندارم، تا آخوند ها سرکار ندهم چیز بر وفق مراد است.

تا روز قیامت

از عزرائیل پرسیدند :
 - چرا جان این آخوندها را نمیگیری که
 خیال همه را راحت کنی ؟
 جواب داد :
 - اینهمه آخوندها داریم ، اگر من بخوام هفت
 مرتبه به سراغ هر کدامشون برم کارم تنها
 روز قیامت طول میکشه .

جای فدائیان

در گرما گرم تعویض اسمی شهرها و خیابانها
 ، شهردار تهران اسم پارک (مسگر آباد) را
 (پارک فدائیان خلق) گذاشت و خلخال
 وقتی اینرا شنید خوش آمدوبه شهردار گفت :
 - الحق که خوب اسمی گذاشتی ، چون جای
 فدائی خلق فقط توی (مسگر آباد) است .

دندان عقل

- آقا تازه دندان عقلشون دراومده
 - چطور مگه ؟
 - آخه گربه نره را جانشین خودشون کزدن .



من از اون جنات میترسم از اون نکات میترسم

راست و چپ

در آخرین روزهای عمر (مارشال تیتو) رهبر یوگسلاوی، پزشکان مجبور شدند پای راستش را ببرند، به همین مناسبت خمینی تلگرافی خطاب به تیتو مخابره کرد و در آن نوشت :

— و لکن بریدن پای راست شما را تبریک و تسلیت عرض میکنم، شما با این عمل نشان دادید که واقعا با (راست) مخالفید، بسرای اثبات این موضوع که با (چپ) هم میانه‌ئی ندارید بهتر است بدهید پای چپ شما را هم قطع کنند تا فلسفه (نه غربی، نه شرقی) واقعیت پیدا کند.

صدمه دیدگان

یک روز که معلولین و صدمه خوردگان انقلاب از مقابل کاخ جماران رژه می‌رفتند، مردم بازرگان و یزدی راهم دیدند که آخرف، رژه می‌روند، پرسیدند :

— شما هم جزو صدمه خوردگان انقلابید؟
 و جواب شنیدند که : نخیر، ما جزو صدمه دیدگان از رهبران انقلابیم .

خلخالی درگنبد

به خمینی خبر دادند که خخالی، خودسرانه به گنبدقا بوس رفته و عده‌ئی را اعدام کرده آقا، خخالی را احضار کرد و با عصا نیت گفت - مرد حسابی، توبه (گنبد) چکار داری؟ خخالی جواب داد:

- قربان به سرمبارک رفته بودم گنبدکه به وضع (گلدسته) رسیدگی کنم.

بی کلاه

زمانی که آقای بنی صدر، دکتر در اقتصاد توحیدی مثلا (فرمانده کل قوا) بود، یکروز از نیروهای مسلح سان دید، فرماندهان نظامی پیش خمینی گله کردند که چرا رئیس جمهور، بدون کلاه سلام نظامی داده. خمینی پسر خواننده اش را احضار کرد و گفت:

- بچه جان ادبیت کجا رفته؟ چرا بی کلاه سلام نظامی دادی؟

بنی صدر عرض کرد: آخه قربان سرم پاک بی کلاه مونده.

- خیلی خوب، برو یک کلاه (پا پاخ) روسی سرت بذار.

غربیه

در مورد تعویض نام خیابانهای تهران، آقا
 رهنمودهایی به شرح زیر ارائه کردند:
 - خیابان اسلامبول (منشعب از شاه آبیساد
 سابق و متصل به خیابان فردوسی طاغوتی)
 به احترام اسلام عزیز و (سروان اسلامبولی
 قاتل انور سادات) به همان نام سابقش
 نامیده شود به این شرط که اشخاص در موقع
 تلفظ، اسلام را غلیظ و با تشدید ادا کنند.
 اسلامبولی پلوهیم در ضمن جزو غذاهای
 اسلامی محسوب میشود و خانوادهاحق طبخ
 آنرا دارند به شرطی که گوجه (فرنگی) داخل
 آن نباشد زیرا گوجه فرنگی (غربیه).

سرکنسول

خامنه‌ئی - این بابا کیه که با عنوان سر
 کنسول به لندن رفته؟
 ولایتی - آدم پخته‌ئی است قربان .
 خامنه‌ئی - چطور مگه؟
 ولایتی - سابقا آشپز سرکنسولگری بوده .

ویزا

یک بچه آخوندوار در فرودگاه ها مبورک شد و
 ماء مورآلمانی از او پرسید :
 - آقا شما (ویزا) دارید؟
 بچه آخوند با سادگی جواب داد :
 - خیر، بنده (مستر کارت) دارم .

راءى آقا

وزیر کشور - حضرت امام ، در انتخابات اخیر
 برای تعیین وکلای مسجد اسلامی ، حدود هفده
 میلیون راءى از امت شهید پرور و همیشه در
 صحنه گرفته ایم ولی آدم خدمتگاران بی رسم
 کى باید وکیل بشه و کى نباید بشه؟ چیسون
 راءى ، راءى مبارکه .

تغییرات

شهردار - (خطاب به رئیس جمہون) :
 - قربان حسب الامر مبارک ، از امروز به بعد
 کلیه نوار فروشی ها ساندویچ اسلامى
 میفروشند ، رستورانها موزه مهر و تسبیح
 شده ، بوتیک ها برنج و روغن نباتی میفروشند

روح الله؟

- همه میدانیم که خداوند نه جسم دارد نه روح، پس چرا آقای خمینی اسمش (روح الله) است؟
- ایشان روح الله نیستند، (روا الله) اند.

سانسور

- از امام سیزدهم پرسیدند:
- علت اینکه هر چند ماه یکمرتبه سکوت میکنی و سخنرانی‌هایت از تلویزیون پخش نمیشود چیست؟
- جواب داد:
- چون ما نطق‌های همه را سانسور میکنیم و جلوی حرف زدنشان را میگیریم، برای اینکه رعایت عدالت و انصاف اسلامی را کرده باشیم گاهی هم مجبوریم جلوی نطق کردن خودمان را بگیریم که جای گله نباشد.

کار

- خبرنگار — آقای بازرگان چرا انقلاب کردید؟
- بازرگان — والله، مردم ایران بیکار بودند

ماہم آمدیم (کار دستشان دادیم) .

ایالات و عیالات

آخوند اولی - حضرت حجت الاسلام ، بعد از انقلاب اسلامی حضرتعالی چکار کردید؟
 آخوند دومی - در سایه قانون تعدد زوجات ، به کوری چشم ایالات متحده ، ماہم چندتسا زن دیگر گرفتیم و (عیالات متحده) تشکیل دادیم .

پرندگان

- حضرت خلخالی ، شما از پرندگان خوشتان میآید؟
 - بله بله ، بنده عاشق مرغ و کبک و تیه و هستم ، مخصوصا اگر لای پلو باشد .

شکایت

پس جوانی به کمیته رفت و گفت :
 - من از امام شکایت دارم ، چون پدر مرا فرستاد جبهه جنگ کشته شد ، ما درم ناچار شوهر کرد و حالا من گیریک شوهر تنه لواط کار

جنس خارجی

- آقا ز همان روزهای اول انقلاب ورودی
نوع جنس (خارجی) را به ایران ممنوع کرد .
- پس (دکتریزدی) و (قطب زاده) چه جوری
وارد مملکت شدند؟

کسری

خلخالی - حضرت امام ، ما داده بودیم توی
روزنامه‌ها بنویسند که آمار تلفات در مسأله
گذشته فقط ۵۳۵ نفر زن و مرد بوده که از این
عده ۴۷۶ نفر بعلت خوردن عرق قلبی مردن
- ۶۲۳ نفر بر اثر استنشاق هوای کثیف شهر
و فقط ۶ نفر را اعدام کردیم ، با این حساب
یک چیزی هم بدهکاریم .
آقا - و لاکن باکی نیست ، اون چند تا شی راکه
زیاد آمدن اعدام کن تا حسابت سر راست بشه .

تغییر ما هیت

میگفت :

- این هنرمندان هم در رابطه با انقلاب
تغییر شکل و تغییر ما هیت داده اند، مثلاً :
فردین بی (دین) شده
بیک ایمانوردی (ایمان) خود را از دست
داده .

- مهستی - (هستی) اش را از کف داده .
- رامش - (آرامش) را گم کرده .
- رسائی - فریادش نا (رسا) است .
- قاسم گلی - گلی بود (صورتی) شده .
- قریب افشار - واقعا (غریب) است .
- ملک مطیعی - کاملاً (مطیع) است .
- عماد رام - رام بود ولی (سرکش) شده .
- انوشیروان روحانی - گاهی (روحانی) است
، گاهی (جسمانی) .
- عقیلی - به (مُسلم بن عقیل) پناه برده .
- مرتضی - سر سفره (مرتضی علی) نشسته .
- بنان - به (نان خشک) ساخته .
- تاکستانی - پاکستانی شده .

اضافه کار

عزرائیل به درگاه باریتعالی باریافت و با
 خضوع و خشوع گفت :
 - پروردگارا، اجازه بفرمائید یک چند وقتی
 به مرخصی بروم چون خیلی خسته ام .
 خداوند فرمود :
 - مگر چکار کردی که خسته‌ئی ؟
 عرض کرد :
 - هفت سال است در ایران دارم اضافه
 کاری میکنم .

از کجا ؟

بنی صدر در زمان ریاست جمهوری از پیشگاه
 امام درخواست کرد که موقع عبور از خیابانها
 ، چند تا اتومبیل پلیس او را اسکورت کنند .
 امام پرسید :
 - منظور از اینکار چیست ؟
 عرض کرد : عرض کرد :
 - قربان جدتان بروم ، زور و قدرت که ندارم
 ، اگر اسکورت نکنند مردم از کجا بفهمند که
 من رئیس جمهورم ؟

خون

یکروز که خمینی حالش بد بود، پزشکان معالج او گفتند خون لازم داریم که به آقاتزریق کنیم .

خلخالی که حاضر بود آمد جلو و گفت :

— من میدهم .

دکترها گفتند :

— پس لطفاً استیانتان را بزنید یا لا .

خلخالی گفت :

— من که نگفتم خودم خون میدم ، یک نوک پا میرم کردستان و آذربایجان ، هر نوع خونی که آقا بخوان برایشون میآرم .

فایدهٔ راه پیمائی

— فایدهٔ اینهمه راه پیمائی چیه ؟

— فایده اش اینه که مردها ، شب که میشه خسته و کوفته میرن خونه و منوقع خواب ، شعار معروف (اولاد کمتر ، زندگی بهتر) را بیخ گوش زنها زمزمه میکنند .

بادبزن

آقای گربه نره را سوار هلی کوپتر میکنند تا برای ملاقات با امام به تهران برود .
 بین راه ، منتظری خطاب به خلبان میگوید :
 - آقا جان ، هوا خیلی سردس ، ممکنه اون باد بزن بالای طیاره ات را خاموش کنی ؟

گره خر

همین گربه نره در مراسم نماز جمعه در حالیکه یک مسلسل یوزی به دستش گرفته بود خطاب به جماعت گفت :
 - خیلی عجیبس ، اینروزها هر (گره خری) پیسه اسلحه دستشه .

تجا وزبه عراق

منتظری را دیدند که لخت و عور شده و روی یک قسمت از خاک عراق (دمر) افتاده .
 پرسیدند :
 - چکار میکنی ؟
 جواب داد : دارم به خاک عراق تجا وز میکنم .

پرنده پستاندار

از (خرخالی) پرسیدند :
 - میدانی تنها پرنده پستاندار چیه ؟
 جواب داد :
 - مهاندار هواپیما .

برق شهر

به امام جماران گزارش دادند که برق شهر
 قطع شده .
 آقای امام با صدای بلند خطاب به بتول که در
 آشپزخانه بود گفت :
 - آهای بتولی ، ولکن پاتوا ز روی سیم
 وردار .

ماهی و کوسه

منتظری بساط عرق خوری را پهن کرده بود
 که خبر دادند رفسنجانی کوسه برای ملاقات
 او آمده ، منتظری دستپاچه شد و لیوان عرقی
 را که دستش بود ریخت توی (آکواریوم) .
 رفسنجانی آمد و نشست ، بعد از نیم ساعت یکی
 از ماهی ها سرش را از توی آب بیرون آورد و با